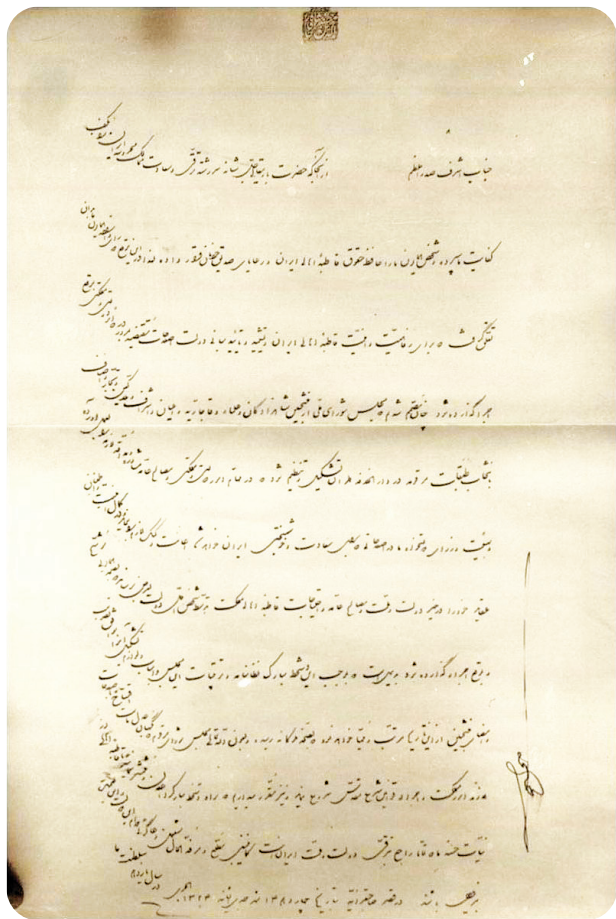




به مناسبت ۱۴ مرداد روز مشروطیت

# فرمان مشروطه



فرمان مشروطیت در اصل فرمان تشکیل مجلس شورای ملی است که مظفرالدین شاه قاجار در ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ خورشیدی امضا کرد و یک روز بعد در تاریخ ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ فرمان مشروطیت صادر شد. مظفرالدین شاه با امضای این فرمان، در خواست متحصنین در جنبش مشروطه ایران را پذیرفت و با مشارکت مردم در امر حکومت موافقت کرد و بدین ترتیب در سرزمین ایران برای نخستین بار حکومت مشروطه تأسیس شد.

خطاب فرمان به صدراعظم، یعنی میرزا نصرالله خان مشیرالدوله است که خود در تهیه آن و راضی کردن شاه به امضای آن کوشش کرده بود. اصل فرمان به خط و انشای احمد قوام است.

جناب اشرف صدراعظم -- از آن جا که حضرت باری تعالی جل شانه سررشته ترقی و سعادت ممالک محروسه ایران را بکف کفایت ما سپرده و شخص همایون ما را حافظ حقوق قاطبه اهالی و رعایای صدیق خودمان قرار داده لہذا در این موقع که اراده همایون ما بر این تعلق گرفت که برای رفاهیت و امنیت قاطبه اهالی ایران و تشدید مبانی دولت، اصلاحات مقتضیه به مرور در دوائر دولتی و مملکتی به موقع اجرا گذارده شود چنان مصمم شدیم که مجلس شورای ملی از منتخبین شاهزادگان و علما و قاجاریه، اعیان، اشراف، ملاکین و تجار و اصناف به انتخاب طبقات مرقومه در دار الخلافه تهران تشکیل و تنظیم شود که در مہام امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره و مذاقه لازمہ را به عمل آورده به هیئت وزرای دولت خواه ما در اصلاحاتی که برای سعادت و خوشبختی ایران خواهد شد اعانت و کمک لازم را بنمایید و در کمال امنیت و اطمینان عقاید خود را در خیر دولت و ملت و مصالح عامه و احتیاجات قاطبه اهالی مملکت به توسط شخص اول دولت به عرض برساند که به صحنه همایونی موشح و به موقع اجرا گذارده شود. بدیہی است که به موجب این دستخط مبارک نظامنامه و ترتیبات این مجلس و اسباب و لوازم تشکیل آن را موافق تصویب و امضای منتخبین از این تاریخ معین و مہیا خواهد نمود که به صحنه ملوکانه رسیده و بعون الله تعالی مجلس شورای مرقوم که نگهبان عدل است افتتاح و به اصلاحات لازمه امور مملکت و اجراء قوانین شرع مقدس شروع نماید و نیز مقرر

می داریم که سواد دستخط مبارک را اعلان و منتشر نمایم تا قاطبه اهالی از نیات حسنه ما که تماما راجع به ترقی دولت و ملت ایران است کامیابی مطلع و مرفه الحال مشغول دعاگوئی دوام این دولت و این مجلس بی زوال باشند -- در قصر صاحبقرانیه به تاریخ چهاردهم جمادی الثانیہ ۱۳۲۴ هجری در سال یازدهم سلطنت ما.

\*\*\*

چون در این فرمان با ذکر «شاهزادگان قاجاریه و علماء و اعیان و اشراف و ملاکین و تجار و اصناف» ذکری از دیگر طبقات مردم نشده بود، به درخواست نمایندگان بست نشینان در باغ سفارت بریتانیا، فرمان دیگری صادر شد:

جناب اشرف صدراعظم -- در تکمیل دستخط سابق خودمان مورخه چهاردهم جمادی الثانیہ ۱۳۲۴ که امر و فرمان صریحا در تأسیس مجلس منتخبین ملت فرموده بودیم مجدداً برای آنکه عموم اهالی و افراد ملت از توجهات کامله ما واقف باشند امر و مقرر می داریم که مجلس مزبور را به شرح دستخط سابق صریحا دایر نموده بعد از انتخابات اجراء مجلس فصول و شرایط نظام مجلس شورای اسلامی را مطابق تصویب و امضای منتخبین به طوری که شایسته مملکت و ملت و قوانین شرع مقدس باشد مرتب بنمایید که به شرف عرض و امضای همایونی ما موشح و مطابق نظامنامه مزبور این مقصود مقدس صورت و انجام پذیرد.

در این فرمان عبارت «منتخبین ملت» آمده و نیز به جای «مجلس شورای ملی» از «مجلس شورای اسلامی» نام برده شده است. دو روز پس از این فرمان، مظفرالدین شاه دستور تشکیل اولین مجلس شورای ملی را صادر کرد. کار تدوین نظامنامه انتخابات نیز توسط مجلسی مرکب از نمایندگان شاهزادگان، علمای قاجاریه، اعیان و اشراف، مالکان، تجار و اصناف آغاز شد. این مجلس هفته‌ای دو بار در دار الخلافه - میدان ۱۵ خرداد فعلی - تشکیل جلسه می داد و پس از ۳۳ روز موفق شد نظامنامه انتخابات را آماده کند و آن را به امضای شاه برساند. به موجب این نظامنامه که با ۱۵۱ اصل در ۱۷ شهریور ۱۲۸۵ تدوین و به تأیید شاه رسید، تعداد ۱۵۶ نماینده انتخاب شدند که ۶۰ نفر از آنان نمایندگان تهران بودند. اولین جلسه مجلس شورای ملی در پانزدهم مهرماه همان سال تشکیل شد.

س م رضوی

## سر آغاز تاریخ جدید ایرانیان

دوران جدید است اما باعث نشده ما وارد این دوران شویم. گاهی «دزدکی» و گاهی «ظاهری» به سری به آن به صورت فردی و گروهی می‌زنیم اما جریان فکری مسلط جامعه ایرانی نشده است. هر چند با این اوصاف، نباید نامید بود و این شمع را باید روشن نگاه داشت اما کاش این شمع، گسترش پیدا میکرد و تبدیل به خورشید میشد و جامعه ایرانی از این مرحله گذر میکرد و همچنان در مرحله «تکرار و گذار» نبود.

تحقق عدالت، که البته دغدغه همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها است در منطق جدید به بحث «قانون» ارتباط پیدا کرد. قانون در معنای جدید، چیزی است که حوزه عمومی و عقل متعارف جامعه آن را می‌پذیرد و قابلیت تغییر در شرایط متفاوت را دارد. گذشته از آن در اجرای قانون مورد قبول آنچه مهم است، «فرایند درست و منطقی دادرسی» است. ما امروزه از یک طرف با برخی قوانین مواجه هستیم که عقل متعارف جامعه با آنها همخوانی نیست و تلاشی در سازو کار جدید برای تغییر آنها صورت نمی‌گیرد و اصولاً معنای قانون را با برخی مفاهیم سنتی مثل شرع و سنت یکی قلمداد کردیم و لذا در وضع و شرایط تغییر آنها، الزامات درست را در نظر نمی‌گیریم. مثلاً آنچه در وضع و تغییر احتمالی یک قانون، دارای اهمیت است در نظر گرفتن «علوم انسانی و اجتماعی» است که در اینجا مورد غفلت واقع شده است. نکته بعدی در بحث عدالت، شرایط دادرسی است که در آن، ممکن است مساوات و الزامات تحقق عدالت رعایت نشود. در اجرای عدالت، حوزه عمومی و جامعه باید در تعامل درست و متعادل با حوزه حکمرانی باشد در آن صورت است که امکان تحقق عدالت وجود خواهد داشت. در این شرایط حتی اگر خطایی صورت پذیرد، زمینه متعادل برای اصلاح وجود خواهد داشت.

صحبت در مورد مشروطیت، زیاد است و لازم است به آنها پرداخته شود ما در این زمینه در آستانه یا مقدمات مشروطیت هستیم.

عبدالرحمن حسینی فر

مسیر قرار گرفت و آن را به رسمیت شناخت. مشروطیت، طرح بحث «عدالت» در معنای جدید، قانونگذاری و قانونمندی در ساختار کلی جامعه و منطق دوران جدید، اهمیت اساسی و عمومی آزادی و حقوق فردی و اجتماعی، توجه بنیادی به رأی و مشارکت سیاسی به عنوان منفعتی مشترک بین جامعه و دولت، ضرورت حکومت محبوسه، طرح بحث مهم مساوات در منطق زیست عمومی جدید و در کل، اهمیت یافتن مردم در نظام فکری جدید بود. بالتبع این اندیشه، ساختار سیاسی از نو طراحی شد؛ دولت مدرن شکل گرفت؛ جامعه در سازو کار ارتباطی نو، بازسازی شد؛ و حوزه عمومی در منطق و صحنه‌های کنش گری جدیدی ظهور پیدا کرد.

جنبش مشروطه در جامعه ایران آن زمان با طرح بحث «عدالتخانه» شروع شد که همچنان نیاز امروز نیز به حساب می‌آید. درست است که مشروطیت، منطق



۱۴ مرداد، مصادف با صدور فرمان مشروطیت در سال ۱۲۸۵ خورشیدی است که نزدیک به ۱۸ سال از این جریان در حوزه عمومی جامعه ایرانی می‌گذرد. مشروطه، مهم‌ترین و عمیق‌ترین اتفاق تاریخ جدید ایرانیان است. هر چند به اندازه کافی و مناسب به اهمیت این جریان، پی برده نشده است و در ادامه آن به صورت انباشتی، اندیشه‌ورزی نشده است؛ البته به نظر، جریانات سیاسی و اجتماعی قوی‌تری در جامعه‌ی ایرانی از آن تاریخ به بعد اتفاق افتاده و اهمیت آنها، مقدم‌تر شده است. فحطی و مریضی گسترده، اولتیماتوم روسیه به اشغال ایران، قیمومیت انگلیس و کودتا، تغییر حکومت از قاجار به پهلوی، اشغال خارجی از شمال و جنوب، کودتای خارجی و داخلی و جریانات سیاسی متأثر مارکسیسم و مذهبی‌ها، انقلاب، جنگ تحمیلی و جنبش‌های مدنی دیگر، فشار خارجی، تحریم و کنش‌های متضاد با منطق دوران جدید، تلاش برای یک زندگی معمولی از جمله این اتفاقات است. حال آنکه جنبش مشروطیت، در «ورود» به دوران جدید فکری و عملی است و این فراتر از تحولات روی داده در آن است که گاه محدود بوده، گاه ناکام و گاه ناتمام. مرحوم فیضی به برررسی کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله، اثر علامه محمد حسین نائینی پرداخته که در مورد اندیشه سیاسی اجتماعی مشروطیت است و اسم کتابش را به درستی در «آستانه مشروطیت» گذاشته است. این در آستانه مشروطیت بودن، حکایت دیروز و همچنان امروز ماست و این همان نکته‌ای است که چنانچه شاید باید به مشروطیت در این ۱۸ سال اهمیت داده نشده است. البته همانطور که به ذکر اتفاقات این دوران اشاره شد، الزامات زندگی روزمره، نیازهای آبی و لحظه‌ای زیستن و موضوعات دم‌دستی مورد نیاز و تن دادن به ساختارهای قدیمی به صورت سنتی، مانع پرداختن به استلزامات دوران جدید و منطق اندیشه مشروطیت شده است. ولی این راهی است که باید طی شود چه خوب است که زودتر، بیشتر و عمیق‌تر در آن افتاد. حتی اگر به صورت افتان و خیزان باشد، باید در این